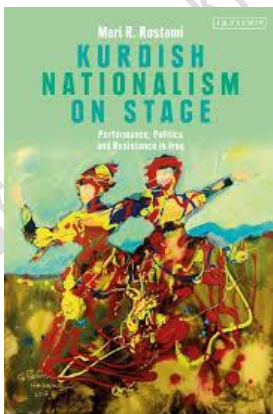


معرفی کتاب «ناسیونالیسم بر روی صحنه: نمایش، سیاست و مقاومت»



دکتر ماری ر. روسته‌می

شناسنامه کتاب: ناسیونالیسم گُردی بر روی صحنه: نمایش، سیاست و مقاومت، ماری ر. رستمی، انتشارات: آی.بی. توروس، سال ۲۰۱۹.



ISBN: 9781788318709



Website: [www.kurdishbookhouse.com](http://www.kurdishbookhouse.com)



Telegram: <https://t.me/kurdishbookhouse>

تایبەت بە مائێر کتێبەر کوردەر



کتاب «ناسیونالیسم بر روی صحنه: نمایش، سیاست و مقاومت» نوشته ی ماری ر. رستمی، عنوان اثر پژوهشی جدیدی است در حوزه مطالعات گُردی که از سوی انتشارات آی.بی.توروس به چاپ رسیده و امتیاز آن توسط انتشاراتی بلومزبری خریداری شده، که بزودی راهی بازار کتاب خواهد شد.

این پژوهش، که نتیجه ی تز دکترای نویسنده در حوزه ی تئاتر در کردستان عراق است، نخستین کتابی است که به زبان انگلیسی به موضوع تئاتر در کردستان می پردازد، و همچنین نخستین پژوهشی است که در سطحی آکادمیک، از منظر ناسیونالیسم و مقاومت سیاسی، تاریخ نمایش در این منطقه را مورد بررسی قرار داده است.

در فصل اول کتاب، نویسنده ابتدا به بررسی نمایش های سنتی در کردستان میپردازد. بسیاری از این نمایش ها که عمدتاً به دست فراموشی سپرده شده اند، به دلیل منحصر به فرد بودن خود از اهمیت قابل توجهی نه تنها برای تاریخ نمایش کردستان بلکه خاورمیانه برخوردارند. از نمایش های سنتی مرسوم در کردستان که پژوهشگر به آن می پردازد، آیین های باران خواهی مانند: «گابه ران»، نمایش های نوروزی «میرِ میران» یا «پاشا پاشایه تی» و «کاوه ی آسنگر» و منظومه های شفاهی فولکلوریک یا «بیت»هایی مانند: «دمدم»، «مم و زین»، «زنبیل فروش»، «خج و سیامند» و «لاس و خزال» است که با آمیخته ای از نظم و نثر و به شیوه های نمایشی و به آواز خوش توسط بیت خوان ها در سرای اربابی، مساجد روستاها، قهوه خانه های شهر و مجالس بزم و رزم به اجرا در می آمده اند.

پس از اثبات پیشینه ی غنی نمایش در کردستان، نویسنده به طور اختصاصی به بررسی تاریخ تئاتر مدرن گُردی در کردستان عراق، بین دهه های بیست و هفتاد میلادی روی می آورد. برای درک بهتر زمینه ی ظهور تئاتر در کردستان عراق، فصل دوم کتاب به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی منطقه در بستر

رخداد‌های حاصل از جنگ جهانی اول و مرزبندی‌های جدید در خاورمیانه می‌پردازد. نویسنده سرکوب فعالان سیاسی گُرد در ترکیه و بازگشت تعدادی از آنان به زادگاه خود در کردستان عراق و همچنین نسل جدید فارغ التحصیلان گُرد دارالمعلمین بغداد را از عوامل مهم و زمینه‌ساز ظهور و رشد تئاتر در کردستان عراق برمی‌شمارد. توفیق محمود حمزه، متخلص به پیرمرد، مهم‌ترین شخصیت فرهنگی کردستان عراق در نیمه‌ی اول قرن بیستم، از جمله سیاستمداران و روشنفکرانی بود که به ناچار از ترکیه به زادگاه خود سلیمانیه بازگشته بود. پیرمرد با کمک به تاسیس «کومه له ی زانستی کوردان» و «مدرسه ی زانستی» نه تنها به پیشبرد سوادآموزی در سلیمانیه کمک کرد بلکه با نوشتن نمایشنامه و نقد و تبلیغ برای نمایش‌های مدرسه‌ای، سهم به‌سزایی در پیشبرد هنر نمایش در سلیمانیه ایفا کرد. نمایش‌های مدرسه‌ای که توسط معلمان و دانش‌آموزان و به منظور جمع‌آوری کمک مالی برای مدارس و دانش‌آموزان بی‌بضاعت به اجرا در می‌آمدند، نخستین نمایش‌های مدرن در کردستان عراق به‌شمار می‌آیند. این نمایش‌ها عمدتاً نسخه‌ی کردی نمایش‌هایی بودند که معلمان مدارس در بغداد مشاهده کرده بودند. پس از روی آوردن پیرمرد به نمایشنامه‌نویسی، نمایش‌های او از جمله «مم و زین»، «شریف‌هه مه وه ند» و «محمود آغا شیوه که ل» با استقبال زیادی از شهروندان مواجه شدند که برای نخستین بار شاهد اجرای نمایشی داستان‌های فولکلور خود بر روی صحنه تئاتر بودند. پیرمرد بر این باور بود که تئاتر می‌تواند ابزاری برای مدرنیزه کردن جامعه و تشویق مردم به پشت‌کردن به عادات کهنه و رو آوردن به علم و دنیای مدرن باشد. به همین دلیل بود که در نمایش‌های خود به مسائلی مانند: عدم آزادی زنان در جامعه ی سنتی کردستان می‌پرداخت. چندین دهه پس از نمایشنامه‌های انتقادی پیرمرد و در سال ۱۹۵۷، با تشکیل انجمن هنرهای زیبای گُرد نخستین زنان گُرد پا به عرصه‌ی بازیگری گذاشتند. این انجمن که توسط هنرمند گُرد رفیق چالاک و گروهی از همراهانش تاسیس شده بود، شامل مجموعه‌ای

از بازیگران، نقاشان و نوازندگان بود که با کمک یکدیگر توانستند نمایش‌های موفق‌تری مانند: «پیسکه‌ی ته‌ریپر»، نسخه‌ی گُردی شده‌ی «خسیس» مولیر را بر روی صحنه بپزند.

پس از جنگ جهانی اول و با ظهور نسل جدید تحصیل‌کردگان چپ‌گرای گُرد، شاهد رشد نمایش‌های ضداستعماری و ضد فئودالی در عرصه‌ی تئاتر کردستان هستیم. اجرای نمایش انقلابی «کاوه‌ی آهنگر» توسط احزاب چپ در شهر کویه در طول دهه‌ی چهارم میلادی یکی از نمونه‌های بارز این روند است. این روند در طول دهه‌ی پنجاه میلادی نیز در نمایش‌هایی از قبیل «تیکوشانی رنجبران» و «مه‌نووچهر» نوشته‌ی ابراهیم احمد قابل مشاهده است. همراهی شهروندان گُرد عراق با کودتای ضد سلطنتی سال ۱۹۵۸ به سرکردگی عبدالکریم قاسم در نمایش‌های انقلابی این دوره قابل رویت است. این خوشبینی چندان به طول نیانجامید و شروع جنگ تمام عیار میان کردها و دولت مرکزی در سال ۱۹۶۱ به تمامی فعالیت‌های فرهنگی پایان داد.

پس از ده سال وقفه، ایجاد منطقه‌ی خودگردان کردنشین در سال ۱۹۷۰ موجب رشد چشمگیر گروه‌های تئاتر شد که از آزادی بیان بی‌سابقه‌ی خود برای اجرای نمایش‌های ناسیونالیستی استفاده می‌کردند. این دوران پرجوش و خروش با پایان خودمختاری گُردها و سلطه‌ی دوباره‌ی حکومت مرکزی در سال ۱۹۷۵ به انتها رسید. پس از شکست جنبش ملی گُرد در این سال، هنرمندان گُرد برای فرار از تیغ بران سانسورچی‌ها و ماموران اطلاعاتی بعث به اجرای نمایش‌های ضد اسراییلی رو آوردند. شباهت سیاست‌های بعث در قبال شهروندان گُرد به سیاست‌های ضدانسانی اسراییل در قبال فلسطینیان پوشش خوبی را برای انتقاد از حکومت فراهم کرده بود و این شباهت از دید ماموران حکومتی پنهان نبود، چنانکه دبری نیابید که هنرمندان گُرد از اجرای نمایش‌های ضد اسراییلی منع شدند. از نکات جالب کتاب «ناسیونالیسم بر

روی صحنه: نمایش، سیاست و مقاومت»، پرداختن نویسنده به نمایش های اجراشده توسط پیشمرگه های گُرد است که در حین مبارزه با دولت عراق در دهه ی ۷۰ و ۸۰ میلادی، از هر فرصتی برای به نمایش کشیدن تم های مبارزاتی و تبلیغ آرمان های حزب خود بهره می جستند.

نخستین نسل فارغ التحصیلان تئاتر دانشگاه بغداد که در اوایل دهه ی هفتاد میلادی به کردستان بازگشته بودند با الهام از نمایشنامه های عربی و آموزه های اساتیدی چون، ابراهیم جلال و سامی عبدالحمید، که خود متأثر از نویسندگانی چون برتولت برشت بودند، به داستان های عامیانه و کلاسیک گُردی روی آوردند. به کارگیری عناصر نمایشی سنتی همچون «بیت خوانی» و رقص و آواز و لباس سنتی که در نمایش های دهه ی هفتاد و هشتاد میلادی به خوبی مشهود است، راهکاری قوی برای تجلیل از هویت، تاریخ و ادبیات کردی و اعتراض به حکومت در پوشش شخصیت های تاریخی و داستانی بود. از جمله ی نمایشنامه نویسان و کارگردانان گُرد این دوران طلایی تئاتر کردستان طلعت سامان و احمد سالار بودند که به ترتیب در شهرهای اربیل و سلیمانیه به فعالیت می پرداختند.

نمایش های «مه مم و زین» و «قهلای ده مدهم» به نویسندگی و کارگردانی طلعت سامان، و «نالی و خهونیکی ارخهوانی» و «کاتی هه لو بهرز افری» به نویسندگی و کارگردانی احمد سالار چهار نمایشنامه ای هستند که نویسنده ی کتاب برای بررسی تم های ناسیونالیستی در تئاتر گُردی انتخاب کرده است. تحلیل این متون نمایشی در فصول چهارم و پنجم کتاب نشان می دهد چگونه هنرمندان تئاتر اندکی پس از شکست جنبش ملی کرد در ۱۹۷۵، با شجاعتی غیرقابل وصف به زنده کردن قهرمانان گُرد همچون مه م و خان لپ زرین بر روی صحنه ی تئاتر و تبدیل آنان به قهرمانان ملی-مردمی پرداختند. نمایشنامه

های سامان با تم های چپگرایانه، ضدفئودالی و ضد امپریالی خود نه تنها متأثر از جنبش ملی گرای گُرد که متأثر از جو سیاسی حاکم بر عراق و منطقه ی خاورمیانه بودند. اما نمایشنامه های احمد سالار، با تم های منحصراً ناسیونالیستی خود، منعکس کننده ی جو خفقان آور حاکم بر کردستان در دهه ی هشتاد میلادی است: دهه ای که شاهد جنگ ایران و عراق و نسل کشی کردها در کمپین انفال و بمباران شیمیایی حلبچه بود. واکنش احمد سالار به این دهه ی فاجعه بار، تئاتری کاملاً گُردی بود که از تمامی عناصر فرهنگی گُرد چون آواز، بیت خوانی، ادبیات کلاسیک، موسیقی و رقص برای به رُخ کشیدن هویت منحصر به فرد گُرد و همچنین دعوت از تماشاگران به مبارزه بهره می جست. به کارگیری تئاتر و نمایش توسط مبارزان، انقلابیون و هنرمندان آزادیخواه گُرد از نمونه های بارز تئاتر مقاومت است که هم اکنون ادامه ی آن را در روژآوا و توسط مبارزان کرد سوریه شاهد هستیم.

این متن به صورت اختصاصی جهت انتشار در سایت خانه کتاب گُردی به نگارش درآمده است و هر نوع بازنشر آن با ذکر منبع «سایت خانه کتاب کردی مجاز می باشد».



Website: [www.kurdishbookhouse.com](http://www.kurdishbookhouse.com)



Telegram: <https://t.me/kurdishbookhouse>